

ایلیا موسایی زن توی بیمارستان چشم باز کرد. نگاهش به لامپ مهتابی سقف میخ بود. زنی میان سال که روی مرز چاق بودن ونبون بود آمد گفت: «هاییدار شدی؟ چقدر گریه می کردی.» زن گفت: «گریه! یادم نیست.» «ها معلوم بود توی حال خودت نیستی.» زن سعی کرد به پهلوی برخزد. گفت: «کسی نبودم دیدنم؟» پرستار گفت: «نه عزیزم.» و رفت پای تخت بعدی. یکی دوتا دکمه روی دستگاه اکسیژن را فشار داد و باز برگشت. زن گفت: «اینجا پنجره نداره چرا؟ همه ش فکر می کردم اگر قرار باشه بیام بیمارستان منو توی یه اتاق می دارن که پنجره بزرگ داره.» پرستار گفت: «الان وقت قرصاته.» و از توی کشو فلزی کنار تخت یک پلاستیک دارو بیرون آورد و شروع کرد به پال پال کردن آن. یک لیوان آب ریخت و دوتا قرص توی یک لیوان مینیانوری را گرفت زیر دهان زن.

پرستار گفت: «این چیزا فقط تو فیلماست، نه که اینجا پنجره نداشته باشه. اونا با دستش سرسرگی اداشای به انتهای سالن کرد. آن انتها بعد از تخت های متراکم دیواری بود دوتا در چیه

کوچک نزدیک به سقف. زن گفت: «بچه م چی شد؟» پرستار گفت: «باشه بابا... امون بده به یک همسر بیای.» زن گفت:

«اگه چیزیش شده تو رو خدا بهم بگو.» پرستار حالا داشت یک دستک فلزی را می چرخاند و تخت با هر قیژ قیژر دسته،

تکانی شدید می خورد.

زن گفت: «منو نگاه... بچه م چی شده؟» بعد انگار چیزی یادش آمده باشد، دستش را بر د زیر مelfه و روی شکمش حرکت داد. پرستار گفت: «قسمت نبوده لابد.» زن اول آب غوره گرفت. چشم هایش چلاند می شدند که انگش جمع کنند. پرستار گفت: «آسانسور خونه بود؟» زن جوابی نداد. داشت سعی می کرد چشم هایش را با آستین پاک کند ولی لوله پلاستیکی سرم نمی گذاشت. آخرش زیر پنبه ای که سوزن را می پوشاند، خون افتاد. زن گفت: «آسانسور پل عابر بود، داشتم می رفتم سقط کنم.» پرستار گفت: «وااا...» زن باشانه های خمیده روی تخت نشسته بود. گف: «خدا منوزد...» پرستار گفت: «فکر کردم از این چشم بچه های، مونده بودم چطوری بهت بگم.» زن گفت: «خودم داشتم همین کارو می کردم، ولی نمی دونم الان چرا براش عزا گرفته م.» چهار ماهش بود فقط. پرستار گفت: «زردیک شامه، غذا تو کامل بخور که چون بگیری.» زن گفت: «باور کن خدا منوزد که این طوری شدم.» پرستار مشغول کار خودش بود. بدون اینکه نگاه کند، گفت: «گوشیتو برات می آرم ولی صداهو کم کن، یا اصلا بذار رو سایلنت که مزاحم اینا نشه.» بعد عبیش زد و وقتی گوشی را آورد گفت: «خدا رو

شکر کن تنت الان سالمه، برای بچه هنوز فرصت داری.» زن چیزی نگفت، فقط گوشی را گرفت و گذاشت روی تخت. پرستار راصدا زد. پرستار توی چهارچوب در سالن ایستاد. زن گفت: «واقعا تنم سالمه؟ پاهام اون موقع حس نداشت، و با نوک انگشت محکم پای خودش را سوک کرد. پرستار سر تکان داد و رفت. زن داشت گریه می کرد که صفحه گوشی روشن شد. مرتضی بود. «الو...» مرد گفت: «الهام کجایی؟ چندبار زنگ زدم، کدوم بیمارستانی؟» زن گفت: «مرتضی تو هم فکر می کنی خدا منوزده؟» مرد گفت: «چی؟ چی می گی الهام؟» زن گفت: «پاهام از دست رفت مرتضی! فلج شدم، بچه م سقط شد.» مرد گفت: «ای باباااا... این حرفا چیه؟ چرا نمی گی کدوم بیمارستانی؟» زن گفت: «خودم... نمی دونم.» مرد گفت: «هزار بار گفتم نروبی خیال شو... پاتو توی به کش کردی که الا وبلا باید بندازمش.» زن گفت: «من اگه این کارو می خواستم بکنم فقط به خاطر خودم نبود، جای تشکرته.»

مرد پشت خط هوف کشید.

گفت: «حالا تو این وضعیت هی بشین باهام بحث کن، من حرفم این بود که چه اشکالی داره من وتو زن وشوهریم.» زن گفت: «مرتضی تو زن نیستی.» اگه جای من بودی اون وقت می فهمیدی. بابام منومی کشت. همه جا برام اعلانیه می زدن که الهام تودوره عقد حمله شده. حالا تو هی بگو چه اشکالی داره؟» مرد گفت: «ای بابا، من هر چی می گم آخرش کار به بحث می کشه.» زن گفت: «درضمن خودم می خواستم پولشو بدم.» مرد مکث کرد. بعد گفت: «خاک تو مخنت کتن، خوشحالم هستی؟» زن وسط گریه و فحخ گفت: «پاهام مرتضی... پاهام. و تماس قطع شد. پرستار دیگری پای تخت ایستاده بود. این یکی

لاغر بود و صورت

رنگ پریده ای

داشت. گفت:

«خانم گوشی

مننوعه.»



ابوعطا! اگر چه هنوز مشخص نیست با چه هدفی دست به حمل اسلحه جنگی زده بودند، اما قطعاً نیت شومی در سرشان بوده است و بازجویی های فنی و تخصصی، پرده از رازهای مگوی این پرونده خواهدگشود.

در روزهای گذشته، مأموران انتظامی داورزن با همکاری پلیس امنیت عمومی خراسان رضوی، در اقدامی فنی متوجه انتقال تعداد درخورتوجهی سلاح گرم از سوی قاچاقچیان به استان شدند. مأموران، دو خودرو پژو پارس و سمند حامل سلاح ها را که قاچاقچیان از استان های غربی بازگیری کرده بودند، شناسایی کردند. با ورود سمند به استان، مأموران این خودرو را متوقف و از آن چهار قبضه سلاح کلت و ۹ تیغه خشاب به همراه مهمات کشف کردند. هم زمان با دستگیری دو متهم، خودرو پژو پارس نیز در شهرستان گرمسار شناسایی و متوقف شد. مأموران در بازرسی از این خودرو، هفت قبضه کلت کمتری، چهارده تیغه خشاب و مهمات مرتبط را کشف کردند و یک متهم در این زمینه دستگیر شد.

سرطان بدخیم حساب های اجاره ای

گزارشی از مجرمان سریالی که پشت هویت افراد آسیب دیده پنهان می شوند و نقشه شوم خود را عملی می کنند



می کنند. قاضی بهشتی تصریح می کند: قشرهای ضعیف و نیازمند جامعه هم که درباره جرائم مربوط به کارت های اجاره ای آگاه نیستند، به دنبال پول های بادآورده، به اجاره دادن کارت های بانکی و سیم کارت خود اقدام می کنند و متأسفانه معاون دادستان مشهد با بیان اینکه گرفتار پرونده های قضایی می شوند، باید هویت های مجازی مان را به واقعیت نزدیک کنیم، می گوید: امروز هویت های مجازی مهم تر از هویت های واقعی است و باید در حفظ آن برای جلوگیری از کلاهبرداری های سایبری کوشا باشیم و آن را در اختیار هر فردی قرار ندهیم. همچنین همان طور که افراد فقط یک کارت ملی دارند، در حوزه فضای مجازی هم هر ایرانی باید دارای یک سیم کارت و یک حساب بانکی باشد. موضوعی که ما با جدیت پیگیری به نتیجه رسیدن آن هستیم.

شود، مصادق پول شویی است و از سوی قانون گذار تا پنج سال حبس برایش تعیین می شود. در مواردی هم حکم افساد فی الارض برای آن پیش بینی شده است، در صورتی که فرد نسبت به جرائم کارت اجاره ای خود نیز بدون اطلاع باشد، باز هم فعل او جرم است چون باید به جبران خسارت برای فردی برآید که در معامله با افراد سودجو متضرر شده است.

کارت های اجاره ای، معتادان متجاهر اما به گفته این مقام قضایی در بیشتر پرونده ها، مشاهده می شود که کارت های بانکی متعلق به معتادان متجاهر است، بدین صورت که افراد سودجو به فرد معتاد با بردن او به حمام و آرایشگاه رسیدگی می کنند و بعد به نامش تا دویست حساب بانکی باز می کنند. مبلغ اندکی را نیز به این فرد به اندازه هزینه مصرف موادش می دهند و از کارت هایش سوء استفاده

اجاره دادن کارت بانکی جرم است معاون دادستان مشهد با بیان اینکه به طور معمول محل استفاده کارت های اجاره ای برای فرار از مالیات و کلاهبرداری های اینترنتی است می گوید: افراد زیادی مغبون کوچک ترین پیشنهاد کاری برخی سایت های واسطه می شوند. در حالی که ۹۰ درصد این آگهی ها کلاهبرداری است. پیشنهاد های مثل اینکه در صورت اجاره دادن کارت بانکی خود ماهیانه مبلغی را دریافت خواهید کرد. البته این افراد در مقطع کوتاهی، نفع مالی نیز خواهند برد اما در درازمدت، هم برای آن ها مالیات خواهد آمد و هم از حسابشان سوء استفاده می شود و باید در مراجع قضایی پاسخگو باشند.

قاضی بهشتی ادامه می دهد: در صورتی که فرد بداند قرار است از کارت بانکی یا سیم کارتش برای امور مجرمانه استفاده

هویت آن ها نشود.

قاضی بهشتی با انتقاد از زیرساخت ها و مقررات حاکم بر بانک ها بیان می کند: براساس آمار و داده های بانک مرکزی برای ۸۰ میلیون نفر جمعیت ایران، ۴۸۰ میلیون حساب بانکی وجود دارد. در حالی که طبیعتاً هر فرد یک کارت بانکی مورد استفاده در اختیار دارد. اما این امکان برای او فراهم است که بیش از دویست حساب، آن هم بدون مانع در یک بانک افتتاح کنند. بدین ترتیب هر کدام از کارت های را که نیاز ندارد، می تواند به طور ماهیانه یک تا چند میلیون تومان اجاره دهد.

این مقام قضایی در باره معضل سیم کارت های اجاره ای نیز بیان می کند: به طور معمول، افراد حق داشتن شش یا هفت سیم کارت هم زمان به نامشان را دارند. اما اگر هر فرد حقیقی یا حقوقی فقط یک سیم کارت به نام خودش داشته باشد و بداند که در قبال آن چه مسئولیت هایی دارد، کار ما برای احراز هویت صاحبان سیم کارت ها آسان خواهد شد. قاضی بهشتی ادامه می دهد: در بسیاری از پرونده ها با افرادی روبه رو می شویم که هیچ اطلاعی از سیم kartی که به نام آن ها ثبت شده و از طریق آن تخلف صورت گرفته است. ندارند. اما پس از تحقیق، متوجه می شویم دفتر پیشخوانی، تخلف کرده و با مدارک این فرد، برای ثبت نام سیم کارت اقدام کرده است، بنابراین برای رفع این موضوع، پیشنهادی اصلاحی از سوی دادستانی به اپراتورها ارائه شده است. اینکه حتماً افراد باید با مراجعه به دفاتر پیشخوان برای ثبت نام سیم کارت اقدام کنند. همچنین برای ثبت نام از آن ها باید با دوربین عکس گرفته شود و اثر انگشت داشته باشند.

۸۰ میلیون جمعیت، ۴۸۰ میلیون حساب بانکی!

یکی از موضوعات فراگیر در دادرسی جرائم رایانهای، پرونده های کلاهبردانن سایبری است. افرادی که هویت خود را از دو طریق اجاره کردن سیم کارت و کارت های پولی متعلق به دیگران پنهان می کنند. سرپرست دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۷ مشهد با بیان این مطلب می گوید: کارت های اجاره ای به فراوانی در بازار موجود است. به طوری که افراد سودجو، همین امروز که اراده کنند، با یک میلیون تومان می توانند کارت بانکی اجاره و وجوه کلاهبرداری خود را به آن واریز کنند، در حالی که هیچ فردی نیز متوجه

راز سرقت های عجیب در مشهد برملا شد

محمد جواد ابوعطا تعدادی از شهروندان با مراجعه به پلیس فتای خراسان رضوی، اعلام کردند که از حساب بانکی شان مبلغ زیادی برداشته شده است. بررسی های پلیسی نشان داد که هیچ سرنخی در پرونده وجود ندارد و انگار این پول ها آب شده و درون زمین رفته است. کارشناسان با دعوت چندین باره از شاکیان، در نهایت توانستند نکته ای باریک تر از مورا در میان حرف های آن ها بیابند، سرنخی که مأموران را بلافاصله به متهمان رساند و راز شومی در این میان برملا شد.

پس از شکایت مال باختگان، موضوع با

شد. مأموران پس از شنیدن اظهارات مال باختگان برای چندمین بار، ناگهان متوجه شدند که تمام این افراد در بازه زمانی سرقت در جاده بوده اند و اتفاقاً از یک میوه فروش سیار هم خرید کرده اند. همین سرنخ کافی بود تا پلیس دامنه تحقیقاتش را به جاده های منتهی به شهرستان های کلات و قوچان بکشاند و همان میوه فروشی را شناسایی کند که این افراد از او میوه خریدند.

باین اطلاعات مهم که به پلیس رسید و مراقبت های میدانی، مشخص شد که پلیس سوژه را به درستی

«امیر علی» آسمانی شد، اما جاویدان ماند



شهرآرا اهدای اعضای نوجوان مرگ مغزی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، موجب نجات و ادامه زندگی چهار بیمار نیازمند به عضو شد.

مسئول واحد فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در این باره گفت: روز گذشته هزار و سیصد و بیست و نهمین عمل اهدای عضو در بیمارستان منتصر به مشهد با موفقیت انجام شد. دکتر ابراهیم خالقی افزود: در این عمل جراحی امیر علی جهاندیده، بیمار دوازده ساله مرگ مغزی که از بیمارستان رضوی به واحد فراهم آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد معرفی شده بود با رضایت خانواده اش تحت عمل جراحی



قند و شکر احتکار شده را کشف کردند. سردار تقوی ادامه داد: ارزش محموله کشف شده برابر نظر کارشناسان مرتبط ۱۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است. با توجه به محرز بودن تخلف مورد نظر، متصدی این انبار به مراجع قضایی معرفی و انبار وی پلمب شد.

سیرچانی فرمانده انتظامی استان از کشف یک محموله سنگین قند و شکر احتکار شده در مشهد خبر داد. سردار محمد کاظم تقوی در تشریح جزئیات این خبر گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر احتکار قند و شکر در یک انبار، پیگیری موضوع در دستور کار مأموران پلیس امنیت عمومی استان قرار گرفت.

این مقام ارشد انتظامی استان افزود: مأموران پس از شناسایی انبار مورد نظر با هماهنگی مقام قضایی به همراه کارشناسان سازمان تعزیرات حکومتی و اداره صمت به محل مورد نظر اعزام شدند. مأموران انتظامی در بازرسی از این انبار ۲ هزار و ۸۰۰ تن

جدول ۳۷۷۷															
سوکند مختار والیبال	جبین نوعی حلوا	ماه آهنگ طنین	ضربه فوتبالی پول آلمان	فن از توابع کاشان	سخت سنگریزه مرات	پشت سر کوتاه ترین فاصله	تفریق عنصر شیمیایی	مماس سرود							
پرتابه رقم آخر			بازی قدیمی الکترونیکی درخت کنار		ثروتمند بلندمرتبه	پیرومکتب حقوق زن سهم معکوس									
قوت لاموت ناراست	شهر فرانسه عنصر پرتوزا			امانت ماه حیات			گشاده برادر رستم								
هوس آریستن کتابی از سعدی		مغازه ژوزف جواکشویلی		نام کوچک ماندلا			اعتبار واحدی ارتشی								
			دانش			پوست پیرا		نصف							
کبد سبک فرنگی	حرف و ضمیر انگلیسی		ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و و	و و	و و	و و	و و	و و	و و
			ش دک	و س	ل ش	ن ری	و ت	ی ع	و 						